



1919



دانشگاه اصفهان  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه تاریخ

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی تاریخ گرایش ایران دوره  
اسلامی

روابط ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی  
(۱۳۲۰-۱۳۰۴)

استاد راهنما:

دکتر لقمان دهقان نیری

استاد مشاور:

دکتر مرتضی دهقان نژاد

گروه احداثات مذکور علی بنیاد  
شهرت روزگار

پژوهشگر:

زاهد رضائی

۱۳۸۸/۱۰/۲۷

آبان ماه ۱۳۸۸

۱۲۹۷۹۹

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و  
نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه  
متعلق به دانشگاه اصفهان است.



دانشگاه اصفهان  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه تاریخ

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ ایران اسلامی آقای زاهد رضائی  
تحت عنوان

روابط ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در دوره رضاشاه پهلوی (۱۳۲۰-۱۳۰۴)

در تاریخ ۱۳۰۴... توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی... به تصویب نهایی رسید.

- |      |  |                             |
|------|--|-----------------------------|
| امضا | دکتر لقمان دهقان نیری با مرتبه علمی دانشیار  | ۱- استاد راهنمای پایان نامه |
| امضا | دکتر مرتضی دهقان نژاد با مرتبه علمی استادیار | ۲- استاد مشاور پایان نامه   |
| امضا | دکتر مرتضی نورائی با مرتبه علمی دانشیار      | ۳- استاد داور داخل گروه     |
| امضا | دکتر حسین مسعود نیا با مرتبه علمی استادیار   | ۴- استاد داور خارج از گروه  |

امضای مدیر گروه تاریخ

## چکیده

با وقوع انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه، سیاست های این کشور در قبال ایران دگرگون شد. این بار همسایه شمالی ایران به ایدئولوژی دست یافته بود که تمامی روابط این کشور با سایر کشورها از جمله ایران را تحت الشعاع خود قرار می داد. این مسأله نه تنها بر روی روابط دو کشور تاثیر می گذاشت، بلکه بر روابط ایران با سایر کشورها نیز تاثیراتی داشت. با به سلطنت رسیدن رضاشاه روابط ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی وارد مرحله جدیدی شد. روابط این دو کشور در این دوران تحت تاثیر ایدئولوژی مارکسیسم که در روسیه بازتولید میشد و عنوان لنینیسم گرفته بود قرارداد شد. این ایدئولوژی از آن پس بر بسیاری از مقاطع حساس ایران تاثیر گذار بود که نمونه بارز آن دیدگاه ایدئولوژیکی شوروی به شخص رضاشاه در اوائل به قدرت رسیدن او بود که در واقع زمینه ساز قدرت یابی او گردید. در واقع سردمداران حکومت روسیه شوروی بر این گمان بودند که رضاخان توانائی این مسأله را دارد که ایران را از دوران فتودالیته وارد دوران بورژوازی کند. از طرف دیگر دولت شوروی با سیاست های که در زمینه روابط اقتصادی با ایران اتخاذ می کرد سعی داشت که بر شمال ایران سیطره پیدا کند که موجب گردید که رضاشاه اقداماتی جهت رفع وابستگی اقتصادی ایران از شوروی انجام دهد. علاوه بر این لنین بر خلاف کارل مارکس بر این باور بود که تضادهای طبقاتی در کشورهای پیشرفته باعث انقلاب نمی شود، بلکه با انقلاب در کشورهای مستعمره در آسیا و دیگر مناطق دنیا و قطع دست امپریالیسم از این مناطق، کشورهای صنعتی با بحران مواجه شده و این بحران موجب انقلابات سوسیالیستی خواهد شد. بنابراین مقامات شوروی در راستای رسیدن به این اهداف به برنامه ریزی برای تربیت کادر کمونیست چه در داخل شوروی و چه در خارج از مرزهای این کشور پرداختند که در واقع ایران نیز از این قاعده مستثنا نبود. به همین منظور دولت شوروی با کمک های که به این افراد در ایران می کرد سعی داشت آنان را در جهت رسیدن به اهداف خود سازماندهی کند.

**کلید واژه:** ایران، اتحاد جماهیر شوروی، رضاشاه، کمونیسم

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
ح	پیشگفتار
	<b>فصل اول: کلیات</b>
۱	۱-۱- طرح مسأله
۲	۲-۱- اهداف پژوهش
۲	۳-۱- پرسش های پژوهش
۲	۴-۱- فصل های پژوهش
۴	۵-۱- معرفی منابع
۴	۵-۲- اسناد
۴	۵-۳- خاطرات
۵	۵-۴- مطالعات و تحقیقات داخلی
۵	۵-۴-۱- مطالعات و تحقیقات خارجی
۵	۵-۶-۱- نشریات
۶	۶-۱- پیشینه تحقیق
۶	۶-۲- روسیه از دیدگاه مورخان مسلمان
۶	۶-۳- نگاهی به تاریخ روسیه از ابتدا تا حمله مغول
۷	۶-۴- اصل و نسب اسلاوها
۸	۶-۵- مغول و روسیه
۸	۶-۶-۱- خاندان رومانوف
۹	۶-۷- پتر کبیر و غرب گرایی
۹	۶-۸- کاترین دوم
۱۰	۶-۹- الکساندر اول
۱۱	۶-۱۰- نیکلای اول
۱۱	۶-۱۱- الکساندر دوم
۱۲	۶-۱۲- الکساندر سوم

۱۲-۶-۱-۱۳- نیکلای دوم و انقلاب.....	۱۲
۱۲-۶-۱۳-۲- ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فکری روسیه قبل از انقلاب.....	۱۲
۱۴-۶-۱۳-۳- حزب بلشویک روسیه.....	۱۴
۱۴-۶-۱۴- روابط ایران و روسیه از دیرباز تا روی کار آمدن صفویان.....	۱۶
۱۶-۱۶-۱۵- روابط ایران و روسیه در دوره صفویه.....	۱۷
۱۶-۶-۱۶- روابط ایران و روسیه در دوره افشاریه.....	۱۹
۱۷-۶-۱۷- روابط ایران و روسیه در زمان زندیه.....	۲۰
۱۸-۶-۱۸- روابط ایران و روسیه در زمان قاجاریه.....	۲۰
۱۹-۶-۱۹- انقلاب ۱۹۰۵.....	۲۵
۲۰-۶-۲۰- انقلاب ۱۹۱۷.....	۲۶
۲۱-۶-۲۱- روسیه سرخ.....	۲۸
۲۲-۶-۲۲- تحلیلی از روسیه شوروی.....	۲۹

### فصل دوم: روابط ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از انقلاب اکتبر تا تأسیس حکومت

#### پهلوی

۱-۲- انقلاب ۱۹۱۷ روسیه و تاثیر آن بر روابط ایران و شوروی.....	۳۲
۲-۲- اولین نمایندگان روسیه شوروی در ایران.....	۳۵
۳-۲- شوروی و جنبش جنگل.....	۳۷
۴-۲- قرارداد ۱۹۱۹.....	۴۱
۵-۳- قرارداد ۱۹۲۱ ایران و شوروی.....	۴۴
۶-۳- کودتای ۱۲۹۹.....	۴۷
۷-۲- کابینه سید ضیاء.....	۴۹
۸-۲- رضاخان و شوروی.....	۵۲

## فصل سوم: روابط سیای ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی (۱۳۲۰-۱۳۰۴)

- ۱-۳- به رسمیت شناختن دولت رضاشاه از طرف انگلیس و شوروی ..... ۶۰
- ۲-۳- شورش لهاک خان ..... ۶۱
- ۳-۳- قیام سلماس ..... ۶۵
- ۴-۳- نفت شمال و اختلافات ایران و شوروی ..... ۶۶
- ۶-۳- اختلافات مرزی ایران و شوروی در دوره رضاشاه ..... ۶۸
- ۲-۶-۳- اختلافات مرزی ایران در اترک ..... ۶۸
- ۳-۶-۳- جزایر آشوراده ..... ۷۰
- ۴-۶-۳- مشکلات مردم نواحی مرزی ایران و شوروی و قراردادهای که در این زمینه امضا شد ..... ۷۰
- ۷-۳- مهاجرت و پیامدهای آن ..... ۷۲
- ۲-۷-۳- مشکلات مهاجران ..... ۷۴
- ۸-۳- جاسوسی عوامل شوروی در ایران ..... ۷۵
- ۹-۳- قانون ضد کمونیستی ..... ۷۷
- ۱۰-۳- تیمورتاش و شوروی ..... ۷۸
- ۱۱-۳- جنگ جهانی دوم، شوروی و سیطره بر شمال ایران ..... ۸۴
- ۲-۱۱-۳- حمله نیروهای شوروی و انگلیس به ایران ..... ۹۰

## فصل چهارم: روابط اقتصادی ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی (۱۳۲۰-۱۳۰۴)

- ۱-۴- پیشینه روابط اقتصادی ایران و اتحاد جماهیر شوروی ..... ۹۳
- ۲-۴- رضاشاه و روابط اقتصادی با شوروی ..... ۹۵
- ۳-۴- نهضت اقتصاد شمال ..... ۹۶
- ۴-۴- قراردادهای ایران و اتحاد جماهیر شوروی ..... ۹۸
- ۲-۴-۴- قرارداد تجاری ایران و اتحاد جماهیر شوروی ..... ۹۹
- ۳-۴-۴- عهدنامه تأمینیه و بی طرفی ایران و اتحاد جماهیر شوروی ..... ۱۰۰
- ۴-۴-۴- قرارداد واگذاری پرت انزلی ایران و اتحاد جماهیر شوروی ..... ۱۰۱



- ۱۰۱..... ۴-۴-۵- قرارداد شیلات ایران و اتحاد جماهیر شوروی
- ۱۰۳..... ۴-۴-۶- قرارداد گمرکی ایران و اتحاد جماهیر شوروی
- ۱۰۴..... ۴-۴-۷- پیامدهای قرارداد تجاری ایران و اتحاد جماهیر شوروی (۱۳۰۶)
- ۱۰۵..... ۴-۵- قرارداد گمرکی ایران و اتحاد جماهیر شوروی (۱۳۰۷)
- ۱۰۶..... ۴-۶- قانون انحصار ارز
- ۱۰۸..... ۴-۷- قرارداد تجاری ایران و اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۳۱۴
- ۱۰۹..... ۴-۸- روابط اقتصادی ایران و اتحاد جماهیر شوروی در آستانه جنگ جهانی دوم
- ۱۱۱..... ۴-۹- سیاست های دولت شوروی در مورد تجارت با ایران و اقدامات دولت ایران

#### فصل پنجم: روابط فرهنگی ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی (۱۳۲۰-۱۳۰۴)

- ۱۱۳..... ۵-۱- پیش در آمد
- ۱۱۴..... ۵-۲- روابط رسمی فرهنگی ایران و اتحاد جماهیر شوروی
- ۱۱۵..... ۵-۳- روابط غیر رسمی فرهنگی ایران و اتحاد جماهیر شوروی
- ۱۱۵..... ۵-۳-۲- پیشینه سوسیالیسم و احزاب سوسیالیستی در ایران
- ۱۱۸..... ۵-۳-۳- فعالیت های کمونیستی در دوره رضاشاه
- ۱۲۰..... ۵-۳-۳-۲- اعتصاب شرکت نفت در سال ۱۳۰۸
- ۱۲۱..... ۵-۴- گروه پنجاه و سه نفر
- ۱۲۵..... ۵-۴-۲- فعالیت های گروه پنجاه و سه نفر
- ۱۲۵..... ۵-۴-۲- دستگیری و محاکمه گروه پنجاه و سه نفر
- ۱۲۷..... ۵-۵- سیاست های دولت شوروی در ایران با تکیه بر ترویج کمونیسم
- ۱۲۷..... ۵-۵-۲- فعالیت های تبلیغاتی شوروی در داخل شوروی
- ۱۲۸..... ۵-۵-۳- فعالیت ها و تبلیغات شوروی در ایران
- ۱۳۰..... ۵-۶- علل روی آوردن بخشی از روشنفکران و توده مردم به مارکسیسم
- ۱۳۰..... ۵-۶-۲- سیاست استعماری انگلستان
- ۱۳۰..... ۵-۶-۳- تأثیر انقلاب اکتبر بر ایران

صفحه	عنوان
۱۳۱.....	۵-۶-۴- تأثیر نابرابری های اقتصادی، اجتماعی و قومی
۱۳۴.....	۵-۷- علل ناکامی کمونیسم در ایران
۱۳۵.....	۵-۸- تأثیر نیروهای کمونیسم بر روابط ایران و شوروی
۱۳۶.....	پایان سخن
۱۳۹.....	منابع و مآخذ

## پیشگفتار

نگارش تاریخ علمی حتی در حد یک پایان نامه و مقاله اساتید فن را می‌طلبد. نگارنده تا زمانی که به جمع آوری اسناد، منابع و نگارش آن اقدام ننموده بودم آن را کاری سهل و آسان می‌پنداشتم، اما در همان اوایل کار مشکل بودن مسأله برایم روشن گردید. به عنوان مثال در حین یادداشت برداری از خاطرات افرادی که خود در زمان حادثه بوده‌اند اینگونه به نظر می‌رسد که خاطره نویسی آنان محملی برای تیرته نگارنده کتاب و تصفیه حساب‌های حزبی و شخصی است از طرف دیگر ایدئولوژیک بودن اتحاد جماهیر شوروی در حوزه تاریخ نگاری نیز تأثیرات شگرفی از خود برجای گذاشت. دولت شوروی برای رسیدن به اهداف خود تاریخ نگاری مارکسیستی را رواج داد چنانکه مورخان روسی به تبع از کارل مارکس تاریخ، را به چند مرحله جبری و خطی تقسیم نمودند که از برده داری، فئودالیسم و سرمایه داری عبور کرده و در نهایت به سوسیالیسم می‌رسید و جالب اینجاست که در این ساختار نماد و مظهر سوسیالیسم واقعی (در مقابل سوسیالیسم تخیلی که فیلسوفان پیش از مارکس در مورد سوسیالیسم مطرح کرده بودند) دولت شوروی بود و به تعبیر دیگر جهان در نهایت به همان مقصدی می‌رفت که شوروی به آن رسیده بود. در واقع این نوع تاریخ نگاری که تحت سیاست‌های دولت شوروی باز خوانی می‌شد وسیله‌ای تبلیغاتی برای کمونیست‌ها شده بود و واژگانی را در ادبیات تاریخی ایران مثل فئودال، بورژوا و پرولتاریا را خلق نمود که هیچ‌کدام در جامعه ایرانی همانند آنچه که در اروپا بود، وجود عینی نداشت. به هر حال در این میان پژوهش‌های مورخان مارکسیست روسی در زمینه تاریخ ایران، مورخان ایرانی را به دوطیف تقسیم نمود. این تقسیم‌بندی که بیشتر بار سیاسی و ایدئولوژیک داشت تا تاریخی، تاریخ ایران را محل کشاکش‌های نظری نمود که همچنان نیز ادامه دارد. به هر حال یکی از مشکلات بررسی منابع این رساله همین مقوله است چنانکه اگر تاریخ نگاری، مخالف ایدئولوژی مارکسیسم است دیدگاهی متفاوت در مورد دوره رضا شاه دارد و اغلب روشنفکران مارکسیست این دوره را فریب خورده و جاسوس شوروی می‌پندارد. از سوی دیگر مورخی دیگر در همین زمینه که تحلیل‌های اساسی مارکسیستی دارد رضا شاه را دست‌نشانده امپریالیسم و روشنفکران مارکسیست این دوره را به عنوان نماد استقامت در برابر استبداد رضا شاهی عنوان می‌کند. این ویژگی نه تنها در منابع و پژوهش‌های داخلی، (کتاب اقتصاد سیاسی ایران از محمد علی همایون کاتوزیان نمونه بر جسته این کشاکش‌های نظری است) بلکه در منابع خارجی نیز به وضوح دیده می‌شود.

## فصل اول

### کلیات

#### ۱-۱- طرح مسأله

روابط ایران و شوروی از چند جهت دارای اهمیت است؛ اولین وجه اهمیت آن ایدئولوژیک بودن این مسأله است که روابط ایران با سایر دولتها مخصوصاً سیاست های انگلیس در مورد ایران چه پیش از رضاشاه و چه پس از او را، تحت الشعاع خود قرار داد. انقلاب ۱۹۱۷ روسیه نه تنها بر ایران و خاورمیانه بلکه بر تمامی جهان تأثیرگذار بود. این بار روسیه برای رسیدن به اهداف پطرکبیر در جهت دست یابی به آب های گرم خلیج فارس به ایدئولوژی دست یافته بود که بیشتر افراد جامعه مخصوصاً روشنفکران را به انقلاب علیه استبداد داخلی و استعمار انگلستان دعوت می کرد. همسایه بودن اتحاد جماهیر شوروی با ایران که دارای منابع غنی نفتی و نزدیکی به آبهای آزاد بود، زنگ خطری برای دولت انگلیس محسوب میشد زیرا در صورت سقوط ایران توسط ارتش سرخ بزرگترین مستعمره انگلیس یعنی هند مورد تهدید قرار می گرفت. بنابراین می بایست در این چارچوب<sup>۱</sup> تاریخی سیاستهای انگلیس را در ایران از کودتای ۱۲۹۹ تا سیاست های دیگر این دو کشور در دوره رضاشاه را مورد بررسی و تفسیر قرار داد. علاوه بر این روابط ایران و شوروی در این دوره تحت الشعاع مسائل دیگری چون

---

<sup>۱</sup> context

جاسوسی عوامل شوروی در ایران و فعالیت کمونیست های ایرانی قرار گرفت که در جای خود به آنها خواهیم پرداخت.

روابط اقتصادی ایران و شوروی نیز در این دوره حائز اهمیت است. روسیه از دیرباز بر مناطق شمالی ایران از نظر اقتصادی نفوذ پیدا کرده بود، نفوذی که یکی از مهمترین اهرم های فشار علیه دولت ایران و موجب افزایش تسلط سیاسی روسیه شد. رضاشاه هنگامی که به قدرت رسید سعی در رفع وابستگی مناطق شمالی کشور از اقتصاد شوروی داشت و گفته می شود یکی از دلایل احداث راه آهن شمال به جنوب که توسط رضاشاه انجام شد در جهت رفع وابستگی بازارهای اقتصادی شمالی کشور به روسیه شوروی بود.

این رساله سعی در بازنمایی کنش و واکنش های جامعه و دولت ایران نسبت به مسائل فوق الذکر و تاثیر این عوامل بر روابط خارجی ایران با سایر دولتها را دارد.

### ۱-۲- اهداف پژوهش

- تبیین عوامل تاثیر گذار بر روابط ایران و شوروی.
- تبیین تاثیر روابط ایران و شوروی بر روابط ایران با سایر کشورها مخصوصاً انگلیس.
- بررسی نحوه تجارت ایران با شوروی و تاثیر آن بر روابط دو دولت.

### ۱-۳- پرسش های پژوهش

- دلایل حمایت دولت شوروی از رضا شاه به هنگام به قدرت رسیدن چه بوده است؟
- نیروهای طرفدار کمونیسم در ایران از چه طریقی بر روابط ایران و شوروی تاثیر گذار بوده اند؟
- عوامل تاثیر گذار بر روابط ایران و شوروی چه بوده است؟

### ۱-۴- فصل های پژوهش

فصل اول این رساله به کلیات بحث، طرح مسأله، اهداف پژوهش و پرسش های پژوهش می پردازد که ذکر گردید. فصل دوم به بررسی این منابع که شامل اسناد، خاطرات، تحقیقات داخلی و خارجی و... که در این رساله مورد استفاده قرار گرفته است می پردازد. در پیشینه تحقیق به روابط ایران و روسیه از دیرباز تا وقوع انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ پرداخته شده است. علاوه بر این به منظور درک بهتر سیاست های روسیه شوروی در ایران و چگونگی

وقوع انقلاب کمونیستی در این کشور، تاریخ روسیه از ابتدا تا روی کار آمدن استالین هرچند به طور مختصر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

در فصل سوم به روابط ایران و شوروی از انقلاب اکتبر تا روی کار آمدن رضاشاه پرداخته شده است. در این فصل به تأثیرات انقلاب اکتبر بر ایران، قیام جنگل، قرارداد ۱۹۱۹م/۱۲۹۸ش، ایران و انگلیس و قرارداد ۱۹۲۱م/۱۲۹۹ش، ایران و شوروی، کودتای ۱۹۲۱م/۱۲۹۹ش، و سیاست های روس ها نسبت به رضاخان در ابتدای به قدرت رسیدن او در راستای تأثیرات شوروی بر ایران و سیاست های انگلیس در این زمینه مورد بررسی قرار گرفته است. یعنی نه تنها به روابط ایران و شوروی بلکه به تأثیرات این روابط بر روابط ایران با انگلیس نیز اشاراتی شده است.

در فصل چهارم این پژوهش به روابط سیاسی بین ایران و شوروی در این دوره پرداخته شده است. در این فصل به به شورش های لهاک خان و قیام سلماس و نوع دیدگاه روس ها نسبت به این وقایع، مسأله اختلافات مرزی و مهاجرت، جاسوسی عوامل شوروی در ایران، تیمورتاش و اشغال نظامی ایران توسط روس ها در سال ۱۳۲۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

در فصل پنجم به روابط بازرگانی و اقتصادی دو کشور پرداخته شده است. در این فصل به سیاست های اقتصادی شوروی و تأثیر آن بر اقتصاد ایران و واکنش های تجار و دولت ایران نسبت به سیاست های اقتصادی شوروی، نهضت اقتصاد شمال و قراردادهای ۱۳۰۶ و ۱۳۱۴ پرداخته و مورد بررسی قرار گرفته است.

در فصل ششم این رساله به روابط فرهنگی بین دو کشور اشاره شده است. هر چند که قسمت های از این روابط جنبه رسمی نداشت اما می توان به اقدامات روسیه شوروی در جهت ترویج کمونیسم که در راستای رسیدن به اهداف خود در خلیج فارس بود اشاره نمود. علاوه بر این در این فصل علل گرایش ایرانیان و روشنفکران ایرانی به کمونیسم که در واقع قشر زیادی از جامعه ایران را در بر می گرفت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

## ۱-۵- معرفی منابع

منابعی که برای این رساله استفاده شده اند به دو دسته اصلی تقسیم میشوند؛ منابع داخلی که شامل منابع دست اول مثل اسناد، خاطرات افراد، تاریخ نگاریهای دست اول و نشریات است و منابع دست دوم که بعدها در مورد روابط ایران و شوروی به نگارش درآمده اند.

### ۱-۵-۲- اسناد

همه اسناد مورد نیاز این پژوهش به صورت کتاب از سوی وزارت امور خارجه و سازمان اسناد ایران منتشر شده اند. در این میان محمود طاهر احمدی، اسناد روابط ایران و شوروی در دوره رضاشاه، کاوه بیات، اسناد مربوط به فعالیتهای کمونیستی در دوره رضاشاه و حسین فرزانه اسناد مربوط به گروه پنجاه و سه نفر را به صورت مجموعه اسناد منتشر نموده اند. علاوه بر این سعی شده است که از تعدادی اسناد سازمان اسناد و اسناد خارجی تحت عنوان (Iran Political Diaries) که در ۱۴ جلد در پژوهشکده تاریخ معاصر ایران نگهداری می شوند به طور محدود استفاده شود.

### ۱-۵-۳- خاطرات

خاطراتی که در این دوره به نگارش درآمده اند حاوی نکات دقیقی از وضعیت و سیاست های دوره رضا شاه هستند مشهورترین کتاب خاطرات این دوره خاطرات فردی به نام "آقابکف" است که مامور شوروی در ایران بوده است؛ آقابکف<sup>۱</sup>، که مدتی در ایران فعالیت داشته است از اهداف سیاستهای دولت شوروی در ایران و رشوه گیران شوروی در ایران چهره ای دقیق ترسیم می کند. علاوه بر خاطرات آقابکف در این زمینه می توان به خاطرات کمونیستهای ایرانی مثل خاطرات دوران سپری شده از یوسف افتخاری و پنجاه نفر و سه نفر از انور خامه ای و پنجاه و سه نفر از بزرگ علوی و خاطرات طراح کودتای ۱۲۹۹ یعنی آبرونساید اشاره نمود که خود در بطن واقعیات آن روزگار بوده اند.

<sup>۱</sup> Agabekov

#### ۱-۵-۴- مطالعات و تحقیقات داخلی

از منابع دست اول در این دوره که در این رساله استفاده شده است می توان به حیات یحیی از یحیی دولت آبادی، تاریخ بیست ساله ایران از حسین مکی و تاریخ مختصر احزاب سیاسی از ملک الشعرای بهار اشاره نمود. از منابع دست دوم در این زمینه که به طور مستقل به روابط ایران و شوروی پرداخته اند، کتاب سیاست دولت شوروی در ایران از محمد علی منشور گرکانی است که حاوی نکات دقیقی در این زمینه است. از منابع دیگر در این زمینه می توان به کتاب های عبدالرضا هوشنگ مهدوی در زمینه روابط خارجی ایران و کتاب ایرج ذوقی تحت عنوان ایران و قدرتهای بزرگ اشاره نمود. محمود طاهر احمدی نیز در کتابی تحت عنوان روابط ایران و اتحاد جماهیر شوروی در دوره رضاشاه، به روابط این دو کشور بر اساس اسناد پرداخته است. هر چند این کتاب از نظر جمع آوری اسناد بی نظیر است اما از تحلیل مسائل این دوره عاری است و فقط به ذکر روابط، بر اساس اسناد پرداخته است.

#### ۱-۵-۶- مطالعات و تحقیقات خارجی

در این زمینه مطالعات زیادی انجام گرفته است که می توان به کتاب سی سال رقابت غرب و شوروی در ایران از ژرژ لنچافسکی<sup>۱</sup> اشاره نمود که به سیاستهای دولت شوروی در خاورمیانه و ایران میپردازد. از منابع مهم دیگر در این زمینه می توان به تالیفات خارجیانی اشاره نمود که خود در ایران عصر رضاشاهی زندگی می کرده اند؛ به عنوان مثال "لوسوئر"<sup>۱</sup> سفیر فرانسه در ایران بوده است که خود شاهد کودتای ۱۲۹۹ بوده و کتابی در همین زمینه با عنوان "مقدمه چینی های انگلیس برای کودتای ۱۲۹۹" دارد، که به سیاستهای انگلیس در این زمینه می پردازد. از این نوع تالیفات می توان به نامه های خصوصی سر ریدر بولارد اشاره نمود که در آستانه سقوط رضا شاه سفیر انگلیس در ایران بوده است.

#### ۱-۵-۶- نشریات

از نشریاتی که به منظور منبع برای این رساله استفاده شده اند می توان به نشریه گنجینه اسناد، تاریخ معاصر و یغما اشاره نمود که حاوی مقاله های در مورد فعالیت های کمونیستی، نهضت اقتصاد، گروه ۵۳ نفر و... می باشند. از مقاله های فصل نامه تخصصی نیز به نام تاریخ روابط خارجی در راستای این پژوهش استفاده شده است.

<sup>۱</sup> Lesuere



### ۱-۶- پیشینه تحقیق

برای ورود به بحث لازم است که ابتدا به تاریخ روسیه، چگونگی گذار این کشور به کمونیسم و سپس به روابط ایران و روسیه از ابتدا تا وقوع انقلاب اکتبر بپردازیم.

#### ۱-۶-۲- روسیه از دیدگاه مورخان مسلمان

کلمه روس به احتمال کلمه ای است به معنی پاروزن و امروز هم فنلاندی ها که از اقوام فینی هستند مملکت سوئد را روس مینامند. کلمه روس در اصل از طرف ساکنین روسیه به دسته های از اهالی سوئد و نوروز گفته میشد، که در قدیم الایام به قصد چپاول از راه دریا به سواحل روسیه روان شده و در آنجا دزدی می کردند و از این قرار اسم کنونی بزرگترین ملت اسلاو به احتمال اسمی است فینی، که در ابتدا به دسته های دزدهای دریای اسکانندیناوی داده می شد. از مولفین عرب، ظاهراً اولین کسی که استعمال کلمه روس را نموده ابوالقاسم عییدالله خرداذبه در کتاب المسالک والممالک خود که در بین سالهای ۲۳۰ و ۲۳۴ ق، در سامرا تالیف شده است اشاره نموده است. ابن رسته در کتاب خود موسوم العلاق النفیسه که حدود سال ۲۹۰ ق، در اصفهان تالیف شده است، شرحی درباره روسها می نویسد. مسعودی نیز مکرراً سخن از روس گفته است مخصوصاً در مروج الذهب شرح مفصل و بسیار مفیدی راجع به روس ها می نویسد. در کتب فارسی قدیم که در دست است ظاهراً اولین بار که ذکر کلمه روس می رود در مقدمه قدیمی بایسنقری شاهنامه فردوسی است. در ترجمه فارسی تاریخ معروف محمد بن جریر طبری در ضمن ذکر وقایع سالهای ۲۲۰ هجرت و استیلای قشون اسلام بر آذربایجان و دربند سخن از قوم روس می راند (جمال زاده، ۱۳۸۴، صص ۵۶-۵۰).

#### ۱-۶-۳- نگاهی به تاریخ روسیه از ابتدا تا حمله مغول

ساکنین روسیه در دوران های اولیه تاریخ، قبائل چادر نشینی بودند که گاهی هم توانسته اند امپراطوری های بزرگی تشکیل دهند. ولی پس از سقوط و از بین رفتن هیچ اثری از آن ها بر جای نمانده است. این قبایل عبارت بودند از "سیمیرین ها" قومی از نژاد هند و اروپائی، که ضاهراً در قرن هفتم و هشتم قبل از میلاد حکومت می کرده اند. سپس "سیت ها" جانشین آن ها شدند که قومی ایرانی بودند، و از قرن هفتم تا دوم قبل از میلاد در ناحیه بین ولگا و دانوب حکومت می کرده اند. تمدن و بازرگانی سیت ها مترقی بود و هنری مخصوص به خود داشتند. انحطاط این امپراطوری به سبب هجوم قبایل بود که این بار از اروپا آمده بودند. در قرن دوم قبل از میلاد ژرمن

های شرقی تا کناره های دنیپر را به تصرف خود درآوردند. سپس در سال ۹۰۰ میلادی گت ها یا ژرمنهای جزایر اسکاندیناوی بر روسیه چیره شدند. با همه اینها وحشتناک ترین هجوم به روسیه از قلب آسیا سرچشمه گرفت. قبایل هون به رهبری آتیلا حکومت اقوام ایرانی و ژرمنی را جاروب کردند. پس از این قبایل مغول و ترک هجوم آوردند (والتر، ۱۳۳۸، ص ۱۰).

#### ۱-۶-۴- اصل و نسب اسلاوها

اسلاوها در شمال کوه های کارپات و در نزدیکی رودهای ویستولا<sup>۱</sup> (واقع در لهستان کنونی)، پریپت<sup>۲</sup> (واقع در جنوب بلاروس و اوکراین)، و دن<sup>۳</sup> (واقع در روسیه)، زندگی می کرده اند. اسلاوهای باستان از نظر نژادی و سیاسی یکپارچه نبوده اند، اما به زبانی مشترک سخن می گفته اند. در سال ۶۵۰ میلادی خزرها که قومی ترک نژاد بودند بر سرزمینهای شمال دریای سیاه تا سکونت گاه های فنلاندی و اسلاوهای شمال رودخانه ولگا حاکم شدند. در طول دوران حکومت خزرها شمار اسلاوهای ساکن در جنگل و استپ از هر گروه و قوم دیگری در ناحیه افزایش یافت. ترکیب آنان با دیگر قوم ها نیز ادامه یافت. آنان در ناحیه ای با وسعت دو میلیون کیلومتر مربع زندگی می کردند. شهرهای نوروگورود<sup>۴</sup> و کیف<sup>۵</sup> از عمده شهرهای اسلاو بود. با فروپاشی سلطه خزرها در سال ۸۴۰ رهبری غیر بومی و تا اندازه ای افسانه ای و دانمارکی تبار به نام روریک وارد نوروگورود شد و توانست قدرت را به دست بگیرد. اولگ خویشاوند او از سال ۹۱۲ م تا ۸۸۲ م، بر این سرزمین حکمرانی کرد و پایتخت را از نوگورود به کیف انتقال داد. او توانست بر قلمرو خود بیفزاید و فدراسیونی را تشکیل داد که به مملکت روسی کیف مشهور گشت. نوه اولگ به نام ولادیمیر اول که از سال ۹۸۰ م، به مدت ۳۵ سال حکومت کرد و دین مسیحیت را به عنوان دین رسمی روسیه درآورد و خود نیز مسیحی شد و عنوان ولادیمیر مقدس گرفت (براون، ۱۳۸۶، ص ۲۶).

<sup>۱</sup> Vistula

<sup>۲</sup> Pripet

<sup>۳</sup> Don

<sup>۴</sup> Novgorod

<sup>۵</sup> Kiev

## ۱-۶-۵- مغول و روسیه

در سال ۱۲۳۷م/۶۱۶ش، مغول‌ها به غربی‌ترین نقطه تصرفات خود تا آن زمان رسیدند و سراسر مرکز و جنوب روسیه و کیف را ویران کردند. اما نوگورود چون در فاصله‌ای دوردست قرار داشت از حمله مغول‌ها در امان ماند. در این دوران مسکو شهر کوچکی در امیر نشین ولادیمیر بود که ایوان اول (۱۳۴۰-۱۳۲۵) حاکم آن شهر موفق شد محبت مغول‌ها را به خود جلب کند و حق جمع‌آوری مالیات را در بیشتر نقاط روسیه به دست آورد. ایوان با حمایت خان مغول و مالیات‌های که می‌گرفت توانست حوزه قدرت خود را گسترش دهد، چنانکه شهر و جمعیت تحت حکومتش ترقی کرد، تا اینکه در سال ۱۳۲۵م/۷۰۴ش، مسکو به سر اسقفی کلیسای ارتدکس تبدیل شد. در سال ۱۳۷۸م/۷۵۷ش، شاهزاده دیمتری نوه ایوان اول ارتش مغول را شکست داد. با به تخت نشستن ایوان سوم در سال ۱۴۸۰م/۸۵۹ش، باقیمانده نیروهای مغول در روسیه بدون نبرد پا به فرار گذاشتند و ایوان سوم ملقب به عنوان کبیر شد. این دوره از تاریخ روسیه مرحله مهمی در تشکیل دولت متحد روس محسوب می‌شود. در این دوره مناطق اصلی روسیه تحت یک دولت واحد به هم پیوستند و کلاً از زیر یوغ تاتار آزاد شدند (کالیستوف، ۱۳۶۱، ص ۱۱۴).

یکی دیگر از تزارهای مشهور این دوره ایوان مخوف نوه ایوان سوم بود؛ ایوان مخوف که از قدرت استبدادی بی نظیری برخوردار بود در مکاتباتش با سلاطین اروپایی با غرور و تکبر فراوان قدرت محدود آنان را به سخره می‌گرفت. ایوان چهارم (مخوف) روی هم رفته خمیره اش از تناقضات وحشت‌آوری سرشته شده بود. او در ضمن بی‌اعتمادی به اطرافیان و سوظن به اینکه همگی در پی توطئه علیه او می‌باشند، باز هم به نزدیکان خود اطمینان داشت. جنون و خونریزی او به حدی بود که در سال ۱۵۷۰م/۹۴۹ش، شهر نوگورود را که به اتهام تبانی با لیتوانی (دشمن روسیه) متهم شده بود تاراج و تقریباً به کلی ویران کرد. هزاران نفر از اهالی نوگورود در این حادثه اعدام و اجسادشان به رودخانه (ولخوف) انداخته شد (والتر، ۱۳۳۸، ص ۱۳۱).

## ۱-۶-۶- خاندان رومانوف

در سال ۱۶۱۰م/۹۸۹ش، لهستان، مسکو و اسمولسنگ را اشغال، و سوئد نیز نوگورود را متصرف شد. روسیه در این دوران در آستانه تجزیه قرار داشت. در این میان میخائیل رومانوف که ۱۶ سال بیشتر نداشت، اما به صورت غیر مستقیم به خانواده سلطنتی مرتبط بود از طرف مجمعی که برای بیرون راندن لهستانی‌ها توسط اهالی نوگورود و مسکو تشکیل شده بود، برگزیده شد تا به سلطه لهستانی‌ها و سوئدی‌ها خاتمه دهد. او در سال ۱۶۱۳م/

۹۸۹ش، به عنوان تزار تاج گذاری کرد و اعقاب او تا قرن بیستم بر روسیه حکومت کردند. در زمان او و فرزندش الکسیس (۱۶۷۶-۱۶۴۵م) و نوه اش، فئودور سوم (۱۶۸۲-۱۶۷۶م) مرزهای روسیه گسترش یافت.

#### ۱-۶-۷- پتر کبیر و غرب گرائی

پتر کبیر در سال ۱۶۸۹م/۱۰۶۸ش، به سلطنت رسید. پتر مردی عمل گرا بود و از متلاشی ساختن نهادهای سنتی هراسی نداشت. پتر به دنبال مدرنیزه کردن کشور بود و در راستای این هدف به همراه ۲۵۰ نفر از همراهانش در قالب سفارت به اروپا و انگلستان سفر کرد. پتر حداقل بخشی از این سفر را به صورت ناشناس سفر کرد و بعدها که به روسیه بازگشت، برنامه اصلاحات را آغاز کرد. پتر پایتخت را از مسکو به پترزبورگ منتقل کرد، مالیات عمومی را برقرار نمود، پول را متحدالشکل ساخت، آئین درباری ییزانس را ملغی کرد، مدارس جدید و مدارس پزشکی را دایر نمود و لباس اروپائی را به جای جامه روسی مقرر نمود. اما اصلاحات او موفق به قطع ریشه فساد در بین کارمندان دولت و تحمیل راه و رسم زندگی غربی به دهقانان نگردید (براون، ۱۳۸۶، ص ۴۶). پتر کبیر در سیاست خارجی نیز مانند اسلافش فقط در پی یک هدف بود رسیدن به مرزهای غربی و جنوبی روسیه به دریای آزاد و غیر منجمد. پتر توانست در جنگ پلتا در سال ۱۷۰۹م/۱۰۸۸ش، پادشاه سوئد را شکست دهد و وحشتی عظیم در اروپا ایجاد کند (والتر، ۱۳۳۸، ص ۲۳۷).

#### ۱-۶-۸- کاترین دوم (کبیر)

پس از مرگ پتر کبیر در سال ۱۷۲۵م/۱۱۰۴ش، به مدت ۳۵ سال شش حاکم بر روسیه حکومت کردند. پایتخت با انقلابهای درون کاخ و دسیسه های دربار می لرزید، اما با وجود این هنگامی که کاترین دوم ملقب به کاترین کبیر تاج و تخت را پس از دوران کوتاه سلطنت همسر نه چندان مشهورش پتر سوم تصاحب کرد توانست اوضاع را سر و سامان دهد. کاترین دوم که لقب فیلسوف و به قول ولتر لقب کبیر گرفته بود از سال ۱۷۶۲م/۱۱۴۱ش، تا ۱۷۹۶م/۱۱۷۵ش، حکومت کرد. کاترین نیز به مانند پتر کبیر به تعلیم و تربیت توجه خاصی داشت ولی چون نمی توانست با قوانین خشن و محکم طبقه حاکم مبارزه کند تصمیم گرفت سطح اخلاق و فرهنگ مردم روسیه را بالا ببرد به همین جهت کاترین برای دختر خانم های اشراف و بورژوا مدرسه تاسیس کرد، به مدارس نظامی توجه خاص داشت، نظام جدیدی برای تعلیم و تربیت فرزندان کشیش ها ایجاد شد، مدارس ابتدائی برای فرزندان توده ملت تاسیس شد و سرانجام آکادمی روسیه را برای بهبودی زبان روسی تاسیس نمود (دوسن پیر، ۱۳۷۱، ص ۲۳۰).